



Designing a Comprehensive Model for Asymmetric Warfare Using Meta-Synthesis

Mohammad Mohammadi Sani¹ | Hadi Tajik²

1- PhD candidate in Regional Studies, Department of Political Science, Faculty of International Relations, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran
mohammadisani@ihu.ac.ir

2- Associate Professor, Department of International Studies, Institute of International Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran
dr.haditajik@gmail.com

Volume info

Vol. 19
Series: 70
Spring 2026
P.P: 157-183

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-03-08
Revised:
2025-05-21
Accepted:
2025-12-07
Published:
2026-06-15

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Abstract

In the present era, classical battles no longer respond to security and military needs due to new complexities in political, social, and technological arenas. Rapid technological changes and the emergence of asymmetric threats have rendered traditional approaches ineffective. Therefore, considering the hardware, software, and human resources disparities between the Islamic Republic of Iran and the global arrogance front, any strategy designed to confront the enemy in political, military, security, cultural, social, economic, and other areas should follow the rules of asymmetric warfare. This article utilizes the meta-synthesis method to review and synthesize findings from existing research on asymmetric warfare. Key elements were extracted and interpreted from various articles to provide a comprehensive model. At the conclusion of the research, 10 general components of asymmetrical warfare were presented, categorized into three dimensions: software, hardware, and human resources. Additionally, 16 general rules for the victory of the weaker side in an asymmetrical conflict were provided.

Keywords: Asymmetric Warfare, Asymmetric War, Islamic Republic of Iran, War Model

Cite this Article: Mohammadi Sani, M., & Tajik, H. (2026). Designing a Comprehensive Model for Asymmetric Warfare Using Meta-Synthesis. *Security Horizons*, 19(70), 157-183.



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



طراحی مدل جامع نبردهای نامتقارن با استفاده از روش فراترکیب

محمد محمدی ثانی^۱ | هادی تاجیک^۲

mohammadisani@ihu.ac.ir
dr.haditajik@gmail.com

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران
۲. دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

چکیده

در عصر حاضر، نبردهای کلاسیک به دلیل پیچیدگی‌های جدید در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیک دیگر پاسخگوی نیازهای امنیتی و نظامی نیستند. تغییرات سریع فناوری و ظهور تهدیدات نامتقارن، باعث شده‌اند که رویکردهای سنتی کارآمدی خود را از دست بدهند. لذا با توجه به عدم تناسب ابعاد سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و نیروی انسانی بین جمهوری اسلامی ایران و جبهه استخبار جهانی هرگونه راهبرد طراحی شده جهت مقابله با دشمن در عرصه‌های سیاسی، نظامی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... بایستی از قواعد نبردهای نامتقارن پیروی نماید. این مقاله با استفاده از روش فراترکیب به بررسی و تجمیع یافته‌های پژوهش‌های موجود در حوزه نبردهای نامتقارن پرداخته است. از مقالات مختلف، عناصر کلیدی استخراج و تفسیر شده‌اند تا یک مدل جامع ارائه شود. در پایان پژوهش ۱۰ مولفه کلی نبردهای نامتقارن در سه بعد نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و نیروی انسانی ارائه شده است، همچنین ۱۶ قاعده کلی برای پیروزی طرف ضعیف‌تر در یک نبرد نامتقارن ارائه شده است. **کلیدواژه‌ها:** نبرد نامتقارن؛ جنگ نامتقارن؛ عدم تقارن؛ جمهوری اسلامی ایران؛ مدل جنگ.

سال و شماره

سال ۱۹، پیاپی: ۷۰

بهار ۱۴۰۵

صص: ۱۵۷-۱۸۳

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷

الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



استناد: محمدی ثانی، محمد، و تاجیک، هادی. (۱۴۰۵). طراحی مدل جامع نبردهای نامتقارن با استفاده از روش

فراترکیب. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۹(۷۰)، ۱۵۷-۱۸۳.



نویسندگان.

ناشر: دانشگاه جام امام حسین (ع).



OPEN ACCESS

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از مهم ترین رویدادهای سیاسی و اجتماعی دوران معاصر از زمان پیروزی تا کنون، در متن یک جدال تمدنی قرار داشته است. در حالی که این انقلاب تلاش کرده است تا هم استقلال ملی خود را حفظ کند و هم پیام های الهی و انسانی خود را در سطح جهانی گسترش دهد، کشورهای غربی در مقابل این حرکت بزرگ قرار گرفته اند و طی چهل و شش سال گذشته از هیچ تلاشی برای ناکام گذاشتن این انقلاب و آرمان های ملت ایران فروگذار نکرده اند. اکنون و پس از گذشت بیش از ۴ دهه از عمر انقلاب اسلامی می توان گفت که جمهوری اسلامی علی رغم توفیقات فراوانی که در مقابل استکبار جهانی داشته است هنوز از این تقابل فارغ نشده و به معنی واقعی کلمه درگیر یک جنگ ترکیبی از سوی جبهه استکبار جهانی است. برای مقابله موثر با این هجمه همه جانبه از سوی دشمنان، طراحی و به کارگیری یک راهبرد کلان بیش از پیش ضروری می نماید.

در مقاله پیش رو فرض بر آن است که با توجه به عدم تناسب ابعاد سخت افزاری، نرم افزاری و نیروی انسانی در طرفین درگیری هرگونه راهبرد طراحی شده جهت مقابله با جبهه استکبار جهانی در عرصه های سیاسی، نظامی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... بایستی از قواعد نبردهای نامتقارن پیروی نماید.

نگرش سنتی و متقارن به جنگ نمی تواند پاسخگوی چالش های امروز باشد، زیرا پیروزی در نبردهای نامتقارن نیازمند رعایت قواعد و اصولی است که با اصول نبردهای سنتی و متقارن متفاوت است و نمی توان با استفاده از همان اصول نبرد کلاسیک به پیروزی در چنین نبردهایی دست یافت. به عنوان مثال بودجه نظامی ایالات متحده و ایران در دو دهه گذشته تفاوت های چشمگیری داشته است. ایالات متحده به عنوان یکی از بزرگترین قدرت های نظامی جهان، همواره بودجه نظامی بالایی داشته است. در سال ۲۰۰۰، بودجه نظامی ایالات متحده حدود ۳۰۰ میلیارد دلار بوده است که این رقم در سال ۲۰۲۳ به بیش از ۹۰۰ میلیارد دلار رسیده است (Esmaeili & Alavi, 2020). درحالی که بودجه نظامی ایران در همین دوره زمانی به مراتب بسیار کمتر بوده است. در سال ۲۰۰۰، بودجه نظامی ایران حدود ۲ میلیارد دلار بوده است و این رقم در سال ۲۰۲۳ به حدود ۸٫۶ میلیارد دلار رسیده است (SIPRI, 2023). به طور کلی، بودجه نظامی ایالات متحده در

سال‌های اخیر به طور مداوم افزایش یافته است، در حالی که بودجه نظامی ایران با وجود افزایش نسبی، همچنان در سطح بسیار پایین تری قرار دارد.

به این ترتیب، با توجه به توزیع نامساوی و نامتوازن توانایی‌های راهبردی، منابع مالی، نیروی انسانی و تجهیزات فنی، و همچنین منافع و محدودیت‌های طرفین درگیر در این نبرد، هر راهبردی که برای مقابله با دشمن اتخاذ می‌شود باید با قواعد جنگ‌های نامتقارن سازگار باشد و ویژگی‌های مورد نیاز برای نقش‌آفرینی مؤثر در این نوع نبردها را دارا باشد.

ضرورت و اهمیت

در دهه‌های اخیر، پیچیدگی و شدت نبردهای نامتقارن افزایش چشمگیری داشته است. این نوع نبردها که اغلب شامل نیروهای نامنظم، گروه‌های غیر دولتی و استفاده از تاکتیک‌های غیر متعارف می‌باشند، به دلیل عدم توازن قدرت و غیرقابل پیش‌بینی بودن، چالش‌های زیادی را برای نیروهای نظامی و امنیتی به وجود آورده‌اند. با توجه به این شرایط، ضرورت توسعه مدل‌هایی که توانایی تحلیل جامع و دقیق این نوع نبردها را داشته باشند، بیش از پیش احساس می‌شود. این مقاله با بررسی و تجمیع نظریات مختلف در حوزه نبردهای نامتقارن و طراحی یک مدل جامع با استفاده از روش فراترکیب، می‌تواند به عنوان یک منبع ارزشمند برای تحلیلگران و استراتژیست‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

طراحی مدل جامع نبردهای نامتقارن با استفاده از روش فراترکیب، می‌تواند به عنوان یک ابزار کارآمد در دستان تصمیم‌گیران و مجریان سیاست‌های امنیتی و دفاعی عمل کند. این مدل با ارائه تحلیل‌های دقیق و کاربردی، می‌تواند در شناسایی نقاط ضعف و قوت استراتژی‌های موجود و پیشنهاد راهکارهای بهینه نقش مؤثری ایفا کند. بنابراین، ضرورت و اهمیت این پژوهش در ارائه دیدگاه‌های جدید و مفید برای مقابله با تهدیدات پیچیده و پویا، به وضوح قابل مشاهده است.

ادبیات نظری

قبل از اینکه به بررسی مبانی مفهومی پژوهش بپردازیم، ذکر این نکته ضروری است که توضیحات ذکر شده در قسمت مبانی مفهومی صرفاً جهت آشنایی خواننده با مفهوم نبرد نامتقارن ارائه گردیده است و مدل مطلوب مدنظر نویسندگان که از جامعیت بیشتری برخوردار است در انتهای پژوهش و در قسمت نتایج تحقیق ذکر گردیده است.

نبردهای نامتقارن و کلاسیک در چندین جنبه کلیدی با یکدیگر تفاوت دارند. در نبردهای کلاسیک، دو یا چند نیروی نظامی سازمان یافته با توانایی‌های تقریباً مشابه از نظر تعداد نیرو، تجهیزات و فناوری روبه‌رو می‌شوند. این نوع نبردها معمولاً در میدان‌های جنگ مشخص و با استراتژی‌های متعارف نظامی انجام می‌پذیرد (Smith, 2020). در مقابل، نبردهای نامتقارن اغلب شامل برخورد میان نیروی نظامی دولتی و گروه‌های غیر دولتی مانند شبه‌نظامیان، گروه‌های چریکی یا سازمان‌های تروریستی است که از نظر تعداد نیرو و تجهیزات در سطح کمتری قرار دارند (Jones, 2018). این گروه‌ها از تاکتیک‌های نامتعارف نظیر حملات غافلگیرانه، بمب‌گذاری‌های انتحاری و استفاده از جمعیت غیرنظامی به عنوان سپر انسانی استفاده می‌کنند تا به اهداف خود برسند (Brown, 2019).

روند شکل‌گیری ادبیات نظریه نبردهای نامتقارن از زمان جنگ ویتنام که یکی از نمونه‌های اولیه این نوع نبردها محسوب می‌شود، آغاز شد (Taylor, 1977). این جنگ نشان داد که حتی نیرویی با تجهیزات و فناوری پیشرفته می‌تواند در برابر تاکتیک‌های نامتقارن و پیچیده شکست بخورد. با گذشت زمان و افزایش تعداد و شدت نبردهای نامتقارن در مناطق مختلف جهان، نظریات جدیدی برای تحلیل و فهم این نوع جنگ‌ها شکل گرفت. تحقیقات اولیه بر روی تاکتیک‌ها و استراتژی‌های استفاده شده در این نبردها متمرکز بود، اما با گذشت زمان، پژوهش‌ها به بررسی عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که به بروز و توسعه نبردهای نامتقارن کمک می‌کنند نیز گسترش یافت (Mack, 2002).

در دو دهه اخیر، با ظهور گروه‌هایی مانند طالبان، داعش و گروه‌های شبه‌نظامی در نقاط مختلف جهان، ادبیات نظریه نبردهای نامتقارن به شدت گسترش یافته است. پژوهشگران به بررسی

عمیق‌تری از الگوهای رفتاری این گروه‌ها، روش‌های جذب نیرو و تأثیرات روانی و اجتماعی اقدامات آنان پرداخته‌اند. این تحقیقات نشان داده‌اند که نبردهای نامتقارن نه تنها به تجهیزات نظامی بلکه به عوامل دیگری نظیر حمایت مردمی، فناوری‌های ارتباطی و تبلیغاتی و تعاملات بین‌المللی نیز وابسته هستند (Kilcullen, 2006).

مفهوم جنگ نامتقارن برای اولین بار به طور رسمی در گزارش بررسی دفاعی چهارساله ایالات متحده در سال ۱۹۷۷ مورد استفاده قرار گرفت (Razmkhah, 2005). در اصطلاح نظامی، زمانی که دو نیروی متخاصم در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و از لحاظ فناوری، اطلاعات، آموزش و روحیه در وضعیت نابرابر و ناهمگون باشند، به گونه‌ای که نیروی قوی‌تر از قابلیت‌ها، امکانات، توانمندی‌های هجومی و دفاعی با کارآیی رزمی بالا و تحرکات تاکتیکی مناسب‌تر برخوردار باشد، این نوع نبرد را جنگ نامتقارن می‌نامند (Habibi, 2007). هیوز نبرد نامتقارن را به‌عنوان «حمله به نقاط ضعف دشمن با استفاده از ابزارهای ناشناخته و ابتکاری، در حالی که از درگیری با نقاط قوت دشمن پرهیز می‌شود» تعریف کرده است (Razmkhah, 2005).

همچنین، کنت مکنزی در کتاب خود «جنگ متقارن»، نبرد نامتقارن را چنین تعریف کرده است: «استفاده از روش‌های غیرقابل پیش‌بینی یا غیرمتعارف برای خنثی کردن یا تضعیف روحیه دشمن، با تکیه بر نقاط قوت خود و بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن از طریق فناوری‌های غیرمنتظره یا رویکردهای نوآورانه» (Habibi, 2007).

پیشینه پژوهش

در پژوهش حاضر جهت ساخت یک مدل جامع به سراغ پژوهش‌هایی رفته‌ایم که تا کنون به موضوع نبردهای نامتقارن پرداخته‌اند. لازم به ذکر است که تعداد پژوهش‌هایی که تا کنون درباره نبردهای نامتقارن نگاشته شده است، بیشتر از مقالات بررسی شده در جدول ذیل می‌باشد، لکن با توجه به هدف پژوهش یعنی ساخت یک مدل جامع به ذکر مقالاتی که در خدمت هدف این پژوهش هستند اکتفا شده است. در زیر خلاصه‌ای از معرفی و بررسی هر کدام از این مقالات را به صورت اجمالی آورده‌ایم. جزئیات هر کدام از مقالات مذکور در بخش یافته‌های تحقیق به صورت تفصیلی ذکر شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	وین کیو. بوون (۲۰۰۴)	ابعاد جنگ نامتقارن	تحقیق یاد شده به بررسی مفهوم عدم تقارن و نبرد نامتقارن می‌پردازد. کیو. بوون سه عامل اساسی را به عنوان عوامل اصلی ایجاد نابرابری معرفی می‌کند: ۱. نبود توازن در منافع ۲. تفاوت‌های سیاسی، حقوقی و اخلاقی ۳. راهبردها و تکنیک‌های نامتقارن. در پایان، وی به سطوح منازعه راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی اشاره کرده و مولفه‌های هر کدام از این سه سطح را بیان می‌دارد.
۲	رزمخواه، محمدرضا (۲۰۰۵)	جنگ نامتقارن	در این تحقیق ابتدا چندین تعریف از مفهوم جنگ نامتقارن ارائه شده و سپس این نوع جنگ به ابعاد مختلف از جمله اتمی، شیمیایی، بیولوژیکی، الکترومغناطیسی و سایبرنتیکی تقسیم می‌گردد. وی در ادامه به صورت ویژه به جنگ نامتقارن سایبرنتیکی می‌پردازد که محل بحث این پژوهش نیست. بنابراین تنها بخش قابل استفاده از این تحقیق، تعاریف ارائه شده از جنگ نامتقارن می‌باشد.
۳	دهقان، نبی اله؛ مرادی، شعبان (۲۰۰۹)	تبیین مفهوم راهبرد جنگ نامتقارن و عوامل موثر بر موفقیت و اثربخشی جنگ نامتقارن	در این تحقیق، ابتدا تلاش می‌شود تعاریف مختلفی برای مفهوم جنگ نامتقارن ارائه شود. سپس به بررسی موضوعاتی نظیر استراتژی‌های جنگ نامتقارن، اهداف آن، و اصول حاکم بر این نوع نبرد پرداخته می‌شود. در نهایت، عوامل موثر بر موفقیت و اثربخشی جنگ نامتقارن مورد ارزیابی

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
			قرار می‌گیرند.
۴	کالین اس. گری (۲۰۰۲)	تهدید نامتقارن از دیدگاه آمریکا	در این تحقیق ابتدا به بررسی ویژگی‌های جنگ نامتقارن پرداخته شده است. سپس نحوه عملکرد این نوع جنگ‌ها تشریح می‌شود و در نهایت، چندین پیشنهاد برای مقابله با جنگ‌های نامتقارن دشمنان ارائه می‌گردد.
۵	کلهر، رضا (۲۰۰۲)	اطلاعات در جنگ نامتقارن: درسی از یازدهم سپتامبر	رضا کلهر در پژوهش خود ۳ تقسیم بندی کلی را برای ناهمترای میان طرف‌های یک درگیری ارائه می‌دهد. او در ادامه به موضوع ارزیابی تهدیدات ناشی از نبرد نامتقارن می‌پردازد. در بخش بعدی گام‌هایی را برای پاسخ به این تهدیدات پیشنهاد می‌دهد که مدنظر ما نیست، فلذا تنها از بخش اول پژوهش بهره خواهیم برد.
۶	غرایاق زندی، داوود (۲۰۰۵)	جنگ نامتقارن: معمای قدرت و هراس	در این تحقیق، ابتدا به تعریف مختصری از جنگ نامتقارن پرداخته شده و سپس نویسنده به معرفی ۱۲ ویژگی اصلی این نوع جنگ‌ها می‌پردازد. پس از آن، نظریه‌های مختلف موجود در حوزه نبردهای نامتقارن به دو دسته کلی تقسیم شده و هر یک از این دسته‌ها به طور جداگانه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت، به بررسی سطوح و انواع مختلف جنگ‌های نامتقارن پرداخته می‌شود.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۷	هافمن (۲۰۰۷)	درگیری‌های قرن ۲۱: ظهور جنگ‌های ترکیبی	یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات اخیر مرتبط با نبردهای نامتقارن، جنگ هیبریدی است که توسط هافمن (۲۰۰۷) معرفی شد. هافمن جنگ هیبریدی را ترکیبی از تاکتیک‌های متعارف، نامتعارف، سایبری و روانی تعریف می‌کند که به صورت هم‌زمان برای ایجاد اثرات سینرژیک در میدان نبرد به کار گرفته می‌شوند. این مفهوم در تحلیل درگیری‌های معاصر مانند جنگ ۲۰۰۶ لبنان و جنگ اوکراین (۲۰۲۲) به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است.
۸	مرتضویان فارسانی، س.ع. و آقابالازاده، ع.ا. (۲۰۱۸)	دکترین نظامی کارگزارمحور شیوه‌ای نوین در جنگ‌های نامتقارن	مرتضویان فارسانی و آقابالازاده (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان «دکترین نظامی کارگزارمحور شیوه‌ای نوین در جنگ‌های نامتقارن» به بررسی نقش عوامل غیرمادی مانند ایمان و فرهنگ در تقویت توان نامتقارن پرداختند و نشان دادند که این عوامل می‌توانند شکاف قدرت نظامی را جبران کنند.
۹	ساعد، ن. (۲۰۰۶)	ارزیابی دکترین جنگ نامتقارن از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه	ساعد (۱۳۸۵) نیز با تمرکز بر جنبه‌های حقوقی، تأثیر جنگ‌های نامتقارن بر اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تحلیل کرد و بر چالش‌های اخلاقی ناشی از تاکتیک‌های نامتعارف تأکید نمود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف تلفیق و بازآفرینی نظریه‌های موجود درباره نبرد نامتقارن از طریق رویکرد فراترکیب^۱ طراحی شده است. فراترکیب، به عنوان یک روش کیفی شناخته شده، امکان بررسی عمیق و تفسیری یافته‌های مطالعات پیشین را فراهم می‌کند تا از طریق تلفیق آن‌ها، درک جدیدی از یک پدیده پیچیده پدید آید (Sandelowski & Barroso, 2007). این رویکرد به‌ویژه برای موضوعاتی مانند نبرد نامتقارن که دارای ابعاد چندگانه و نظریه‌های متنوع است، مناسب است، زیرا اجازه می‌دهد تا از جمع‌بندی صرف فراتر رفته و چارچوبی نوآورانه خلق شود. در این مطالعه، دو سوال اصلی تحقیق عبارتند از:

- (۱) یک نبرد باید دارای چه مولفه‌هایی باشد تا به عنوان نبرد نامتقارن شناخته شود؟
- (۲) در صورت نامتقارن بودن یک نبرد، رعایت چه اصولی به پیروزی طرف ضعیف‌تر منجر می‌شود؟

این سوالات نه تنها محور تحقیق را تعیین کرده‌اند، بلکه فرآیند جمع‌آوری، تحلیل، و تلفیق داده‌ها را نیز هدایت کرده‌اند.

انتخاب مطالعات

نخستین گام در این پژوهش، شناسایی و گزینش مطالعات مرتبط با موضوع نبرد نامتقارن بود. به منظور حصول اطمینان از جامعیت و تمرکز بر منابع معتبر، تصمیم گرفته شد که از مجموعه‌ای از مقالات علمی فارسی استفاده شود که پیش‌تر در نشریات داخلی منتشر شده‌اند. این منابع شامل شش مقاله کلیدی بودند که هر کدام به جنبه‌های مختلف نبرد نامتقارن، از جمله ابعاد نظری، راهبردی، و عملیاتی آن پرداخته‌اند. انتخاب این مقالات بر اساس معیارهای ورود مشخصی صورت گرفت که عبارتند از: (۱) پرداخت مستقیم به تعریف، مولفه‌ها، یا استراتژی‌های نبرد نامتقارن؛ (۲) انتشار در نشریات علمی معتبر با فرآیند داوری دقیق؛ و (۳) قرار گرفتن اکثر پژوهش‌ها در بازه زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸، که به دلیل تحولات نظری پس از رویدادهای یازدهم

1 Metasynthesis

سپتامبر ۲۰۰۱، دوره‌ای کلیدی برای مطالعه نبرد نامتقارن محسوب می‌شود. معیارهای خروج نیز شامل منابعی بود که به نبردهای متعارف یا موضوعات غیرمرتبط پرداخته یا فاقد عمق تحلیلی لازم بودند. این فرآیند گزینش با دقت انجام شد تا اطمینان حاصل شود که داده‌های اولیه از کیفیتی بالا برخوردار باشند و بتوانند پایه‌ای محکم برای تحلیل‌های بعدی فراهم کنند.

استخراج داده‌ها

پس از نهایی شدن منابع، مرحله استخراج داده‌ها آغاز شد که یکی از مراحل حیاتی در رویکرد فراترکیب است. در این مرحله، هر مقاله به صورت جداگانه و با دقت مورد بررسی قرار گرفت تا مفاهیم، مضامین، و مولفه‌های مرتبط با نبرد نامتقارن شناسایی شوند. برای سازمان‌دهی این داده‌ها، از روش کدگذاری باز^۱ استفاده شد که به محقق اجازه می‌دهد تا مفاهیم اولیه را بدون پیش‌فرض‌های محدودکننده ثبت کند (Strauss & Corbin, 1998). این کدها سپس از طریق کدگذاری محوری^۲ در دسته‌های موضوعی گسترده‌تر گروه‌بندی شدند تا الگوهای احتمالی میان آن‌ها نمایان شود. به عنوان مثال، مفاهیمی که به جنبه‌های ساختاری، روانی، یا راهبردی نبرد اشاره داشتند، در دسته‌های جداگانه سازمان‌دهی شدند. این فرآیند نه تنها به ساختارمند کردن داده‌ها کمک کرد، بلکه زمینه را برای تحلیل عمیق‌تر در مراحل بعدی فراهم نمود. برای افزایش دقت، یادداشت‌برداری گسترده‌ای از هر منبع انجام شد تا هیچ جنبه مهمی از قلم نیفتد.

تحلیل و تلفیق

مرحله تحلیل و تلفیق، هسته اصلی این فراترکیب را تشکیل می‌دهد و از رویکردهای صرفاً توصیفی متمایز است. در این مرحله، از یک روش تفسیری استفاده شد تا داده‌های استخراج شده نه تنها جمع‌بندی شوند، بلکه به شکلی خلاقانه بازآفرینی شوند (Walsh & Downe, 2005). برای این منظور، ابتدا الگوهای مشترک و تفاوت‌های موجود میان مضامین شناسایی شدند. سپس، از کدگذاری نظری^۳ بهره گرفته شد تا این مضامین در یک چارچوب منسجم به هم متصل شوند.

1 Open Coding
2 Axial Coding
3 Theoretical Coding

(Charmaz, 2014). این فرآیند شامل چندین دور بازبینی و مقایسه میان داده‌ها بود تا اطمینان حاصل شود که روابط میان مفاهیم به درستی درک شده‌اند. هدف از این تحلیل، پاسخ‌گویی به سوالات تحقیق از طریق توسعه یک مدل جامع بود که بتواند ابعاد مختلف نبرد نامتقارن و اصول موفقیت در آن را تبیین کند. برخلاف روش‌های کمی که بر آمار و اعداد تکیه دارند، اینجا تأکید بر تفسیر کیفی و خلق یک ساختار مفهومی جدید بود که از داده‌های اولیه فراتر رود.

ساخت مدل جامع

نتیجه این فرآیند تحلیلی، طراحی یک مدل جامع از نبرد نامتقارن بود که هم جنبه‌های تعریفی و هم راهبردی موضوع را دربرمی‌گیرد. این مدل با تکیه بر داده‌های استخراج‌شده و تحلیل‌های انجام‌شده شکل گرفت و به عنوان یک چارچوب نظری عمل می‌کند که روابط میان مفاهیم را نشان می‌دهد. فرآیند ساخت مدل شامل تلفیق دسته‌های موضوعی در یک ساختار واحد بود که نه تنها انعکاس‌دهنده یافته‌های منابع اولیه است، بلکه با ارائه دیدگاهی نو، به غنای ادبیات موجود می‌افزاید. این مرحله با دقت و توجه به جزئیات انجام شد تا مدل نهایی هم از نظر نظری معتبر باشد و هم قابلیت کاربرد عملی داشته باشد.

روایی و پایایی

برای تضمین روایی یافته‌ها، از روش مثلث‌سازی^۱ استفاده شد که در آن داده‌ها از دیدگاه‌های متنوع موجود در منابع مختلف تأیید شدند (Paterson et al., 2001). این رویکرد به کاهش سوگیری و افزایش اعتبار نتایج کمک کرد. علاوه بر این، فرآیند کدگذاری و تحلیل به صورت مکرر توسط محقق بازبینی شد تا انسجام و دقت حفظ شود. اگرچه فراترکیب به دلیل ماهیت کیفی و تفسیری‌اش کمتر بر پایایی مکانیکی تأکید دارد، شفافیت در مستندسازی مراحل و ارائه توضیحات جامع از هر گام، به عنوان معیاری برای کیفیت تحقیق در نظر گرفته شد. یادداشت‌های تحلیلی و جداول کدگذاری نیز به عنوان بخشی از مستندات نگهداری شدند تا امکان ردیابی فرآیند فراهم باشد.

1 Triangulation

ملاحظات اخلاقی

از آنجا که این پژوهش هیچ داده اولیه‌ای از افراد جمع‌آوری نکرده و صرفاً بر تحلیل منابع مکتوب موجود متمرکز بوده است، ملاحظات اخلاقی خاصی مطرح نبود. با این حال، برای رعایت اصول اخلاق علمی، ارجاع‌دهی دقیق به منابع اولیه انجام شد تا حقوق معنوی نویسندگان محفوظ بماند (American Psychological Association, 2020). این امر به‌ویژه در استفاده از مقالاتی که پیش‌تر در دسترس بودند، مورد توجه قرار گرفت تا از هرگونه سرقت علمی جلوگیری شود.

یافته‌های پژوهش

برای دستیابی به یک مدل جامع از نبردهای نامتقارن، از میان مقالات و پژوهش‌های متعددی که در این حوزه انجام شده است، پژوهش‌های ذیل انتخاب شده‌اند. پس از خلاصه‌سازی موضوعات و تفسیر عوامل و قواعد ذکر شده در این مقالات و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، به مدل نهایی خواهیم رسید.

جدول ۲. مقایسه کلی مقالات

ردیف	عنوان	مؤلف و تاریخ	تشریح عدم تقارن	ارائه قاعده
۱	جنگ نامتقارن	محمدرضا رزمخواه، ۸۴	✗	✓
۲	ابعاد جنگ نامتقارن	وین کیو. بوون، ۸۳	✓	✓
۳	تبیین مفهوم راهبرد جنگ نامتقارن و عوامل موثر بر موفقیت و اثربخشی جنگ نامتقارن	نبی اله دهقان و شعبان مرادی، ۸۸	✓	✓
۴	تهدید نامتقارن از دیدگاه آمریکا	کالین اس گری، ۸۱	✗	✓
۵	اطلاعات در جنگ نامتقارن: درسی از یازدهم سپتامبر	رضا کلهر، ۸۱	✓	✗
۶	جنگ نامتقارن: معمای قدرت و هراس	داوود غرایاق زندی، ۸۴	✓	✓
۷	درگیری‌های قرن ۲۱: ظهور جنگ‌های	هافمن، ۲۰۰۷	✗	✓

	ترکيبی		
۸	دکترين نظامی کارگزارمحور شیوه‌ای نوین در جنگ‌های نامتقارن	مرتضویان فارسانی، س. ع.، و آقابالازاده، ع. ا. ۱۳۹۷	×
۹	ارزیابی دکترین جنگ نامتقارن از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه	ساعد، ن. ۱۳۸۵	×

در واقع برای ساخت مدل جامع نبردهای نامتقارن ما ابتدا بایستی به دو سوال اساسی پاسخ دهیم. اگر پاسخ به این دو سوال را از متن مقالات مورد بررسی استخراج نماییم آنگاه مواد خام لازم برای تشکیل مدل جامع فراهم شده است.

- ۱- چه زمانی می‌توانیم به یک نبرد صفت نامتقارن را اطلاق کنیم؟ (مولفه‌های عدم تقارن)
- ۲- برای موفقیت در یک نبرد نامتقارن بایستی از چه قواعدی پیروی نماییم؟ (ارائه قاعده/اصل)

در صورت پاسخ به این دو سوال می‌توانیم مدل مفهومی نبردهای نامتقارن را تکمیل کنیم.

مرور مقالات

استخراج چستی عدم تقارن

در ابتدا بررسی مقالات را با پژوهش وین کیو بوون با عنوان "ابعاد جنگ نامتقارن" آغاز می‌کنیم. بوون ابتدا به سه عامل تعیین کننده در نبردهای نامتقارن اشاره می‌کند:

عامل اول: عدم توازن منافع در معرض خطر

عامل دوم: تفاوت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عمده میان دشمنان، که منجر به محدودیت‌های سیاسی، حقوقی و اخلاقی متفاوت برای طرف‌های درگیر می‌شود.

عامل سوم: اجتناب فزاینده از درگیری مستقیم نظامی. طرف‌های ضعیف‌تر رویکردهای غیرمستقیمی را به کار می‌گیرند تا نقاط حیاتی آسیب‌پذیر، نظیر حساسیت قابل درک غربی‌ها نسبت به تلفات انسانی در زمان مداخله برای حفظ منافع غیرحیاتی، را هدف قرار دهند.

این عوامل نشان‌دهنده چگونگی عمل جنگ‌های نامتقارن و دلایل پیچیدگی‌های آن‌ها در برابر جنگ‌های متعارف هستند.

او هر یک از این عدم تقارن‌ها را به شرح زیر توضیح می‌دهد:

الف) عدم توازن منافع

این عدم توازن در منازعات نظامی کشورهای غربی در دهه گذشته بسیار برجسته بوده است. این درگیری‌ها منافع آنها از قبیل ارزش‌های انسان دوستانه را به چالش کشیده‌اند. برعکس، در جنگ‌های مذکور، منافع حیاتی طرف‌های غیرغربی مستقیماً در معرض تهدید قرار داشته‌اند؛ این منافع شامل حفظ تمامیت ارضی، بقای رژیم یا تسلط بر مناطق مورد اختلاف بوده است. این عدم توازن در منافع یکی از ویژگی‌های اساسی دخالت‌های نظامی آینده غرب خواهد بود.

ب) محدودیت‌های سیاسی، حقوقی و اخلاقی متفاوت

در درگیری‌های پیش رو، محدودیت‌های سیاسی، حقوقی و اخلاقی نه تنها راهبردها و تاکتیک‌های نظامی غرب را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه بر راهبردهای کشورهای کمتر توسعه‌یافته نیز تأثیر منفی دارند. زمانی که کشورهای غربی برای حفظ منافع غیرحیاتی خود مداخله می‌کنند، اجتناب از تلفات جانی و خسارات مادی یکی از محدودیت‌های مهم در عملیات نظامی است. این محدودیت‌ها موجب ایجاد آسیب‌پذیری استراتژیک می‌شوند که دشمنان می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند، زیرا آن‌ها به اندازه طرف غربی از تلفات انسانی و خسارات مادی پرهیز نمی‌کنند. یکی دیگر از آسیب‌پذیری‌های غرب، وابستگی شدید جوامع دموکراتیک متکی به فناوری پیشرفته است. این آسیب‌پذیری ممکن است به شکل نامتقارن توسط دشمنان مورد هدف قرار گیرد تا در سطوح استراتژیک، عملیاتی و تاکتیکی تأثیر بگذارد.

ج) راهبردها و تکنیک‌های نامتقارن

ممکن است تفاوت‌های قابل توجهی میان کشورهای غربی و دشمنان آینده آنها در توانمندی‌ها و قدرت نظامی کلاسیک وجود داشته باشد. اختلاف در توانمندی‌های نظامی موجب شده که برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته یا گروهی از این کشورها، مقابله مستقیم با ایالات متحده و متحدین آن به صورت مستقیم و متقارن عاقلانه نباشد. این کشورها از توانمندی‌های لازم برای پیروزی در یک جنگ متعارف متقارن برخوردار نیستند و نمی‌توانند هزینه‌های تامین این

توانمندی‌ها را پردازند. بنابراین، راه واقع‌بینانه برای مقابله نظامی با غرب، اتخاذ رویکردهای غیرمستقیم است. این رویکردها تلاش می‌کنند تا با اجتناب از رویارویی مستقیم در میدان نبرد و هدف قرار دادن آسیب‌پذیری‌های مهم نظامی و سیاسی از طریق روش‌های غیرمعارف یا راهبردهای نامتقارن، برتری قدرت متعارف غرب را خنثی کنند.

در مقاله بعدی که توسط نبی‌الله دهقان و شعبان مرادی نگاشته شده است، تعریفی از جنگ نامتقارن ارائه شده که شامل تعدادی از مؤلفه‌های عدم تقارن می‌باشد. بر اساس این تعریف: در اصطلاح نظامی، هنگامی که دو نیروی متخاصم در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و از لحاظ فناوری، اطلاعات، آموزش و روحیه در وضعیت نامساوی و نابرابر باشند، طوری که طرف قوی‌تر از قابلیت‌ها و توانمندی‌های هجومی و دفاعی با کارآیی رزمی بالا و تحرکات تاکتیکی مناسب‌تر برخوردار باشد، به آن نبرد نامتقارن گفته می‌شود. بنابراین، می‌توان چهار مؤلفه فناوری، اطلاعات، آموزش و روحیه را از دل این تعریف برداشت نمود.

کله‌ر نیز در پژوهش خود با عنوان "اطلاعات در جنگ نامتقارن: درسی از یازده سپتامبر" به سه نوع عدم تقارن دیگر اشاره می‌کند:

۱. نیروی انسانی

ناهمترازی در نیروی انسانی در صحنه نبرد، به‌ویژه در استراتژی‌ها و درگیری‌های مبتنی بر تصرف سرزمینی، موجب می‌شود کشور کوچک‌تر از به کارگیری نیروی انسانی در برابر تهاجم دشمن پرهیز کند و به جای آن، از حملات بیولوژیک، شیمیایی و گاه هسته‌ای برای جبران این عدم تقارن بهره ببرد.

۲. تکنولوژی

نابرابری تکنولوژیکی در جنگ می‌تواند طرف‌های درگیر را به نوع دیگری از مواجهه سوق دهد. ناهمترازی در تکنولوژی‌های موجود ارتش‌های جهان باعث می‌شود که کشورهای ضعیف‌تر به سمت بهره‌برداری از تکنولوژی‌هایی بروند که در مدت زمان کوتاه‌تری قادر به وارد آوردن ضربات مهلک‌تری باشند.

۳. قدرت عملیاتی

تعداد کمتر نیروها و تاکتیک‌های نامتعارف استفاده شده در عملیات‌های نظامی با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های پیچیده‌تر، نشان می‌دهد که جنگ نامتقارن می‌تواند تأثیرات بزرگتری بر ابعاد سیاسی و نظامی نیروی درگیر در جنگ داشته باشد. این توضیحات به خوبی نشان می‌دهند که چگونه عدم تقارن‌ها می‌توانند بر راهبردهای نظامی تأثیر بگذارند و تعادل قدرت را در نبردهای نامتقارن تغییر دهند.

در آخرین مقاله، "جنگ نامتقارن: معمای قدرت و هراس" توسط آقای داوود غریاق زندی، پنج مولفه جدید به مولفه‌های عدم تقارن اضافه می‌شود. در بخش نتیجه‌گیری، او بیان می‌کند: «عدم تقارن می‌تواند در روش عملیات و برخورد، نحوه استفاده از فن‌آوری، نحوه اداره عملیات و طراحی آن، شکل سازمان‌دهایت کننده عملیات، و زمان انجام عملیات وجود داشته باشد. این پنج عامل باید در هر طراحی و اجرای جنگ و تهدید نامتقارن مورد توجه قرار گیرند.» به عقیده او، اگر یکی از این مولفه‌ها در نبرد نابرابر باشد، آن نبرد نامتقارن خواهد بود.

استخراج قواعد نبرد

در این بخش از تحقیق، به دنبال پاسخ به سوال دوم، و در واقع قواعد حاکم بر جنگ‌های نامتقارن هستیم.

محمدرضا رزمخواه در پژوهش خود عناصر اصلی جنگ نامتقارن را به این صورت بیان کرده است: «از مجموع تعاریف ارائه شده برای جنگ نامتقارن، می‌توان به چند عنصر اصلی اشاره کرد: استفاده از نقاط ضعف و آسیب‌پذیری دشمن، به کارگیری فناوری‌های پیشرفته و غیرمنتظره، بهره‌مندی از روش‌های نوآورانه، تضعیف اراده دشمن قوی‌تر، و تأکید بر تأیید نامتناسب.»
وین کیو بوون در پژوهش "ابعاد جنگ نامتقارن" قواعد جنگ‌های نامتقارن را در سه سطح بیان می‌کند:

سطح راهبردی

راهبرد نامتقارن در این سطح بر تأثیرگذاری بر اهداف ملی و سیاسی اتحاد و ائتلاف متمرکز است. این هدف می‌تواند شامل جلوگیری از مداخله فرمانطقه‌ای، مجبور کردن دشمن به تغییر رفتار یا اهدافش در جریان تخصیصات، یا پیچیده کردن تصمیم‌گیری دشمن برای به‌دست آوردن زمان بیشتر جهت تحقق طرح‌های نظامی و سیاسی باشد. تمرکز بر هدف قرار دادن

آسیب‌پذیری‌های راهبردی دشمن یک اصل کلیدی است. راهبرد نامتقارن طراحی شده برای جلوگیری از مداخله خارجی باید متکی بر متقاعد کردن دشمن باشد که هزینه‌های مداخله بیشتر از دستاوردهای احتمالی آن خواهد بود.

سطح عملیاتی

در این سطح، تکنیک‌های نامتقارن بر جلوگیری از استفاده منابع نظامی دشمن برای دستیابی به اهداف راهبردی تمرکز دارد. این تکنیک‌ها طراحی، نگهداری، آماده‌سازی، هدایت و اجرای عملیات نظامی دشمن را هدف قرار می‌دهند.

سطح تاکتیکی

در سطح تاکتیکی، تکنیک‌های نامتقارن شامل رویکردهای نسبتاً ارزان و فناوری‌های نه چندان پیشرفته‌ای است که برای مقابله با سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته، به‌ویژه سیستم‌های نیروی هوایی طراحی شده‌اند. هدف این است که در به‌کارگیری منابع نظامی برای دستیابی به اهداف عملیاتی اختلال ایجاد شود.

نبی‌اله دهقان و شعبان مرادی در پژوهش خود، تعاریف متعددی برای جنگ نامتقارن ارائه کرده‌اند. با بررسی این تعاریف، قواعد زیر استخراج شده‌اند:

- جنگ نامتقارن استراتژیک: استفاده از تفاوت‌ها برای کسب برتری و غلبه بر حریف.
- تعریف کنت مکنزی: به‌کارگیری رویکردهای غیرقابل پیش‌بینی یا غیرمتعارف برای خنثی کردن یا تضعیف قوای روحی دشمن، با تکیه بر نقاط قوت خود و بهره‌برداری از نقاط ضعف او از طریق فناوری غیرمنتظره یا روش‌های مبتکرانه.
- شناسایی نقاط قوت و ضعف دشمن: شناسایی امکانات قابل افزایش جبهه خودی و بهره‌گیری از تکنیک‌ها و تاکتیک‌های مختلف.
- رویکرد نامتقارن: استفاده از فناوری‌ها، سلاح‌ها و تاکتیک‌های خلاقانه و غیرسنتی در تمامی سطوح جنگ (استراتژیک، عملیاتی و تاکتیکی).
- تعریف سازمان جاسوسی آمریکا (CIA): «به‌کارگیری راهبردهای نوآورانه، تاکتیک‌ها و فناوری‌ها توسط یک دولت ضعیف‌تر برای دوری از نقاط قوت دشمن و بهره‌برداری از نقاط ضعف حریف.»

- تفکر و برنامه‌ریزی متفاوت از دشمن، به منظور بهره‌برداری کامل از مزایای خودی و استفاده از نقاط ضعف دشمن، به منظور دستیابی به آزادی عمل و ابتکار بیشتر. این رویکردها می‌توانند در زمینه‌های سیاسی-راهبردی، نظامی-راهبردی، عملیاتی و یا ترکیبی از این‌ها، با استفاده از فناوری‌ها، روش‌ها، ارزش‌ها، سازمان‌ها و دیدگاه‌های زمانی گوناگون به کار گرفته شوند.

این تعاریف نشان‌دهنده چگونگی بهره‌برداری از تفاوت‌ها و نابرابری‌ها برای کسب مزیت در جنگ‌های نامتقارن هستند.

ایشان در پژوهش خود هشت مولفه را به عنوان اصول حاکم بر نبرد نامتقارن معرفی می‌کنند که به شرح زیر هستند:

- «تحرک و واکنش سریع: سرعت عمل در شرایط قبل، حین و بعد از حمله دشمن.»
- «خوداتکایی و استقلال رزمی: در سطح کلان و تولید سخت‌افزار یا در قلمرو اجرایی و محدود.»

- «قابلیت استمرار: توانایی ادامه فعالیت‌ها به رغم شرایط دشوار.»
- «بومی‌سازی تسلیحات و تجهیزات: تولید و استفاده از تجهیزات بومی.»
- «چند منظوره بودن: داشتن چندین مهارت توسط یک نیرو.»
- «نظم و انضباط انقلابی: پیروی کامل از دستورات تا حد نهایی.»
- «توازن وحشت و عملیات روانی: ایجاد تعادل در اعمال فشار روانی بر دشمن.»
- «معنویت: شامل ایمان و بصیرت، ایجاد ظرفیت و انگیزه مقاومت در بدترین شرایط، و تقویت روحیه جهادی و شهادت‌طلبی.»

او در ادامه تعریفی از سرهنگ وانتین نقل می‌کند که شامل موارد زیر است:

«فرماندهی و کنترل انعطاف پذیر، آموزش حرفه‌ای، سرعت عکس العمل، نیروی ضربت، تحرک بالا، کارآیی، اهداف منتخب، انعطاف پذیری و وحدت یا یگانگی اقدام، مشروعیت و امنیت بدون شرط و شروط»

بررسی پژوهش "تهدید نامتقارن از دیدگاه آمریکا" توسط کالین اس گری

کالین اس گری در پژوهش خود به دنبال ارائه راه‌حل‌هایی به تصمیم‌گیران نظامی ایالات متحده برای مقابله موفق با تهدیدات نامتقارن است. وی در این پژوهش موارد زیر را مطرح می‌کند:

- «تهدیدات نامتقارن از دید ما غیرعادی و فوق‌العاده جلوه می‌کنند.»
 - «تهدیدات نامتقارن بی‌قاعده و نامنظم هستند و با استفاده از ابزاری صورت می‌گیرند که با قواعد دیرینه جنگ شناخته نمی‌شوند.»
 - «این تهدیدات از طریق غلبه بر تصور و درک استراتژیک ما عمل می‌کنند.»
 - «تهدیدات نامتقارن از طریق ایجاد تهدیدات و خطرات احتمالی بسیار مخوف و وحشتناک عمل می‌کنند، به‌طوری‌که کشورها جرأت ندارند به آن‌ها واکنش نشان دهند تا زمانی که شواهد غیرقابل‌انکاری به‌دست آورند.»
 - «این تهدیدات از طریق اقدام بر ضد آنچه به‌نظر می‌رسد نمادهای قدرت ما هستند، عمل می‌کنند.»
 - «بیشتر گرایش ما این است که بر روی حوادث گذشته متمرکز شویم و آن‌ها را به‌عنوان تهدیدات آینده پیش‌بینی کنیم.»
 - «گرچه ما در شناسایی تهدیدات بسیار دقیق و مشخص به‌خوبی عمل نمی‌کنیم، ولی باید بتوانیم نوع تهدیداتی را که صدمه جدی به ما وارد می‌سازند، شناسایی و نحوه مقابله با آن‌ها را طراحی کنیم.»
 - «ما باید هوشیار باشیم که تهدیدات نامتقارن ممکن است بیشترین ضربه را از طریق اقدامات نامناسب و نابجای واکنشی خود ما وارد کنند.»
- بررسی پژوهش "جنگ نامتقارن: معمای قدرت و هراس" توسط آقای داوود غرایاق زندی
آقای داوود غرایاق زندی در پژوهش خود ویژگی‌های ۱۲ گانه زیر را برای جنگ نامتقارن بیان می‌کند:
- «دستیابی و شناخت آسیب‌های دشمن یا هدف: تهدیدها علیه هدف مبهم، غیرقابل پیش‌بینی و غافلگیر کننده است.»
 - «تهدیدهای نامتقارن بی‌شمار، متنوع و چندبعدی هستند.»

- «جنگ نامتقارن به دنبال تضعیف اراده دشمن برای جنگیدن است: به عبارتی، دارای وجهی روانشناسانه است که با هدف قرار دادن اراده جنگیدن دشمن، توانایی اقدام یا آزادی عمل بیشتری برای خود فراهم می‌آورد.»
- «موثر بودن هدف و اقدام اهمیت دارد: میزان تأثیری که در دشمن ایجاد خواهد کرد، در پیروزی یا شکست اقدام نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. برداشت متفاوت از عمل مورد انتظار می‌تواند به فاجعه تبدیل شود.»
- «هدف در جنگ نامتقارن، بازی با حاصل جمع جبری صفر است: هیچ سهمی برای طرف مقابل در نظر گرفته نمی‌شود.»
- «اندیشه گروهی در چارچوب تعیین شده و دیوان سالاری گسترده قرار نمی‌گیرد.»
- «کسب نتایج راهبردی در تمام سطوح جنگ.»
- «عدم تمایز بین نیروهای نظامی و غیرنظامی: برای رسیدن به هدف می‌توان از غیرنظامیان نیز استفاده کرد.»
- «توجه به ملاحظات فرهنگی و اختلاف نظر و دیدگاه کشور: هر کشوری دارای شخصیت راهبردی خاص خود است.»
- «مشارکت افراد و گروه‌هایی که به دولت وابستگی دارند اما منکر رابطه می‌شوند.»
- «پرهیز از رویارویی مستقیم دو نیرو: یک طرف این بازی بسیار قوی‌تر از طرف دیگر است.»
- «حمله به متحدان یک کشور برتر: قدرت برتر تمایل دارد در جنبه‌های حفاظتی به متحدانش کمک کند، اما عدم مداخله جدی قدرت برتر، رابطه آن با متحدانش را دچار اخلال خواهد کرد.»
- در ادامه هافمن جنگ هیبریدی را به‌عنوان ترکیبی از روش‌های متعارف (مانند استفاده از تسلیحات پیشرفته)، نامتعارف (مانند جنگ چریکی)، سایبری، روانی و حتی جنایی تعریف می‌کند که به‌صورت هم‌زمان یا متناوب در یک میدان نبرد به کار گرفته می‌شوند تا اثرات سینرژیک ایجاد کنند (Hoffman, 2007). این نظریه بر این ایده استوار است که بازیگران هیبریدی با

بهره‌گیری از ابزارهای متنوع، تمایز بین جنگ و صلح را مبهم کرده و دشمن را در ابعاد مختلف تحت فشار قرار می‌دهند.

بر اساس نظریه هافمن، جنگ هیبریدی نه تنها شامل استفاده از نیروی نظامی است، بلکه به‌طور فزاینده‌ای بر فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، حملات سایبری و پهپادها وابسته است. او در آثار بعدی خود، به‌ویژه در مقاله‌ای در سال ۲۰۲۴، بر نقش فناوری‌های پیشرفته در تقویت قابلیت‌های نامتقارن تأکید کرده و استدلال می‌کند که این ابزارها به بازیگران ضعیف‌تر امکان می‌دهند تا با هزینه‌ای کمتر، تأثیرات استراتژیک قابل توجهی ایجاد کنند (Hoffman, 2024). برای مثال، استفاده اوکراین از پهپادهای تجاری و حملات سایبری علیه زیرساخت‌های روسیه در جنگ ۲۰۲۲-۲۰۲۵ نمونه‌ای بارز از کاربرد عملی این نظریه است.

نظریه جنگ هیبریدی هافمن به‌ویژه در تحلیل درگیری‌های منطقه‌ای خاورمیانه، مانند راهبرد حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن در استفاده از فناوری‌های موشکی، کاربرد دارد. این رویکرد نشان می‌دهد که بازیگران نامتقارن با ترکیب ابزارهای نظامی و غیرنظامی، می‌توانند بازدارندگی مؤثری در برابر دشمنان قوی‌تر ایجاد کنند. هافمن همچنین بر اهمیت جنگ اطلاعاتی و قانون‌جنگی^۱ تأکید دارد، جایی که بازیگران از ابزارهای حقوقی و رسانه‌ای برای تضعیف مشروعیت دشمن استفاده می‌کنند. این جنبه از نظریه به‌ویژه در درگیری‌های معاصر مانند جنگ غزه (۲۰۲۳) مشهود است، جایی که گروه‌های مقاومت از رسانه‌های اجتماعی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهانی بهره برده‌اند.

همچنین مرتضویان فارسانی و آقابالازاده در پژوهش خود بر نقش عوامل غیرمادی مانند ایمان، انگیزه و فرهنگ در تقویت توان نامتقارن تأکید دارند. این عوامل به‌عنوان یک دکترین کارگزارمحور، شکاف قدرت نظامی را جبران می‌کنند (Mortazavian Farsani & Aghabalazadeh, 2018).

ساعد نیز در پژوهش خود به چالش‌های حقوقی و اخلاقی نبردهای نامتقارن، به‌ویژه نقض اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه (مانند اصل تفکیک و منع خشونت بی‌رویه)، اشاره می‌کند. او

1 lawfare

استدلال می‌کند که بازیگران نامتقارن باید این اصول را در نظر بگیرند تا از تبعات حقوقی و سیاسی جلوگیری کنند (Sa'ed, 2006).

بنابراین یکی از قواعد نبرد نامتقارن، می‌تواند رعایت حداقل استانداردهای حقوقی و اخلاقی برای حفظ مشروعیت و جلوگیری از محکومیت بین‌المللی باشد. این قاعده به‌ویژه در درگیری‌هایی که بازیگران ضعیف‌تر به دنبال جلب حمایت جهانی هستند، اهمیت دارد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در نهایت، با تجمیع و تفسیر داده‌های به‌دست‌آمده از بخش‌های قبلی، به مدلی خواهیم رسید که چіستی عدم تقارن و قواعد حاکم بر نبردهای نامتقارن را مشخص می‌کند. این مدل، با در نظر گرفتن تمامی عوامل و ویژگی‌های بیان شده توسط پژوهشگران مختلف، به ارائه یک چارچوب جامع و کامل برای درک بهتر این نوع نبردها می‌پردازد.

جدول ۳. مدل جامع نبردهای نامتقارن

سوال	بعد	مولفه/ویژگی نبردهای نامتقارن
چیستی عدم تقارن	نرم افزاری	نابرابری در حیاتی بودن منافع
		نابرابری در ایدئولوژی و راهبرد
		نابرابری در تکنیک‌ها و روش‌ها
		نابرابری در محدودیت‌های اخلاقی
	سخت افزاری	نابرابری در فناوری و تجهیزات
		نابرابری در منابع مالی
		نابرابری در گستره تحت تسلط
	نیروی انسانی	نابرابری در اطلاعات
		نابرابری در مهارت
		نابرابری در روحیه
چیستی قواعد نبرد نامتقارن	شناسایی و بهره‌گیری از نقاط قوت و توانمندی‌های خودی	
	شناسایی و بهره‌گیری از نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های دشمن	
	اجتناب از درگیری متقارن و رودررو	
	بی‌قاعدگی و نامنظم و غیرقابل پیش‌بینی عمل کردن به منظور غافلگیرسازی دشمن	

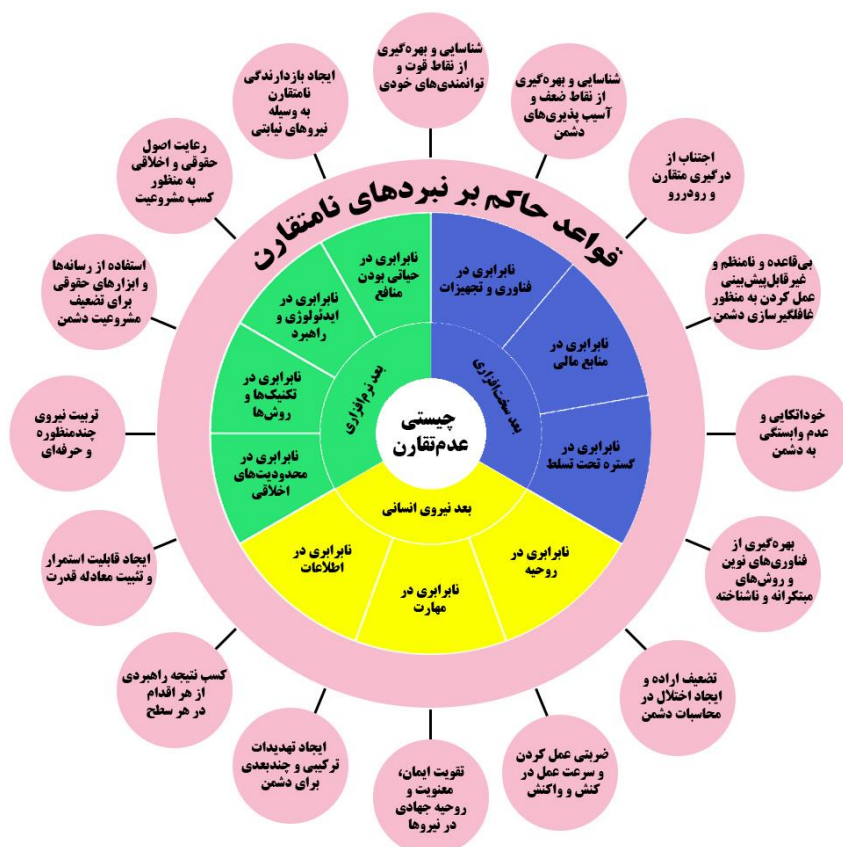
خوداتکایی و عدم وابستگی به دشمن
بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و روش‌های مبتکرانه و ناشناخته
تضعیف اراده و ایجاد اختلال در محاسبات دشمن
ضربتی عمل کردن و سرعت عمل در کنش و واکنش
تقویت ایمان، معنویت و روحیه جهادی در نیروها
ایجاد تهدیدات ترکیبی و چندبعدی برای دشمن
کسب نتیجه راهبردی از هر اقدام در هر سطح
ایجاد قابلیت استمرار و تثبیت معادله قدرت
تربیت نیروی چندمنظوره و حرفه‌ای
استفاده از رسانه‌ها و ابزارهای حقوقی برای تضعیف مشروعیت دشمن
رعایت اصول حقوقی و اخلاقی به منظور کسب مشروعیت
ایجاد بازدارندگی نامتقارن به وسیله نیروهای نیابتی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تعریف نهایی و جامع از مفهوم نبرد نامتقارن که پس از جمع‌بندی مولفه‌ها به دست آمده به این صورت است:

«هر زمان در جریان یک درگیری یکی از طرفین نسبت به طرف دیگر از لحاظ بعد نرم افزاری در حیاتی بودن منافع یا در ایدئولوژی و راهبرد یا در تکنیک‌ها و روش‌ها یا در محدودیت‌های اخلاقی و از نظر بعد سخت افزاری در فناوری و تجهیزات یا در منابع مالی یا در گستره تحت تسلط و از نظر نیروی انسانی در اطلاعات یا در مهارت یا در روحیه دارای نابرابری باشد، به طوری که این نابرابری‌ها برای طرف مذکور ایجاد نوعی برتری نماید، پیروزی طرف ضعیف‌تر در آن نبرد در گرو شناسایی و بهره‌گیری از نقاط قوت و توانمندی‌های خودی، شناسایی و بهره‌گیری از نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های دشمن، اجتناب از درگیری متقارن و رودررو، بی‌قاعده و نامنظم و غیرقابل پیش‌بینی عمل کردن به منظور غافلگیرسازی دشمن، خوداتکایی و عدم وابستگی به دشمن، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و روش‌های مبتکرانه و ناشناخته، تضعیف اراده و ایجاد اختلال در محاسبات دشمن، ضربتی عمل کردن و سرعت عمل در کنش و واکنش، تقویت ایمان

و معنویت و روحیه جهادی در نیروها، ایجاد تهدیدات ترکیبی و چندبعدی برای دشمن، کسب نتیجه راهبردی از هر اقدام در هر سطح، ایجاد قابلیت استمرار و تثبیت معادله قدرت، تربیت نیروی چندمنظوره و حرفه‌ای، استفاده از رسانه‌ها و ابزارهای حقوقی برای تضعیف مشروعیت دشمن، رعایت اصول حقوقی و اخلاقی به منظور کسب مشروعیت، و در نهایت ایجاد بازدارندگی نامتقارن به وسیله نیروهای نیابتی می‌باشد. در غیر اینصورت طبق قواعد کلاسیک درگیری به احتمال زیاد طرف قوی تر نتیجه درگیری را به نفع خود رقم خواهد زد.»



شکل ۱. مدل جامع نبردهای نامتقارن

بر اساس همین مدل می‌توان نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی بایستی در تمامی عرصه‌های نبرد با استکبار جهانی ابتدا میزان نابرابری خود و طرف مقابل را بر اساس مولفه‌های ۱۰ گانه سنجیده و به هر ميزانی که آن نبرد با مولفه‌های نابرابری در این مدل منطبق بود، راهبردهای آفندی و پدافندی خود را منطبق با قواعد ۱۶ گانه نبردهای نامتقارن تنظیم نماید تا به موفقیت حداکثری دست یابد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، به پژوهشگران بعدی توصیه می‌شود که:

- مطالعات موردی بومی و منطقه‌ای را با تمرکز بر استراتژی‌های ایران در خاورمیانه بررسی کنند.
- تأثیر فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی و جنگ سایبری را بر تحول نبردهای نامتقارن تحلیل کنند.
- از روش‌های کمی و شبیه‌سازی برای اعتبارسنجی مدل‌های پیشنهادی استفاده کنند.
- چالش‌های حقوقی و اخلاقی مرتبط با فناوری‌های جدید را عمیق‌تر بررسی کنند.
- ✓ تأثیر عوامل روان‌شناختی و اجتماعی را بر موفقیت استراتژی‌های نامتقارن مطالعه کنند.

فهرست منابع

- Abedi Jafari, A. (2019). Meta-synthesis: A method for synthesizing qualitative studies. *Journal of Research Methodology in Humanities*, 99, 73–87. (In Persian)
- American Psychological Association. (2020). *Publication manual of the American Psychological Association* (7th ed.). APA.
- Bowen, W. Q. (2004). Dimensions of asymmetric warfare (M. Firoozi, Trans.). *Basij Studies Quarterly*, 23, 85–120. (In Persian)
- Brown, M. (2019). *Asymmetric Warfare and Modern Conflict*. New York: Random House.
- Charmaz, K. (2014). *Constructing grounded theory* (2nd ed.). Sage Publications.
- Dehghan, N., & Moradi, Sh. (2009). Explaining the concept of asymmetric warfare strategy and factors affecting its success and effectiveness. *Military Management*, 34, 1–44. (In Persian)
- Esmaili, M., & Alavi, S. M. (2020, July). A comparative study of the military budget of the Islamic Republic of Iran with selected countries. *Defensive Strategy Quarterly*. (In Persian)
- Gharayagh Zandi, D. (2005). Asymmetric warfare: The puzzle of power and fear. *Defensive Strategy Quarterly*, 7, 65–81. (In Persian)
- Giddens, A. (1999). *Sociology* (M. Sabouri, Trans.). Tehran: Ney. (In Persian)
- Gray, C. S. (2002). Asymmetric threat from the perspective of the United States (M. Firoozi, Trans.). *Defensive Policy Journal*, 40–41, 179–196. (In Persian)
- Habibi, N. (2007). Examining the impact of asymmetric warfare methods in countering military threats. *Military Management Quarterly*, 26, 5–44. (In Persian)
- Hoffman, F. G. (2007). *Conflict in the 21st century: The rise of hybrid wars*. Potomac Institute for Policy Studies.
- Hoffman, F. G., Neumeyer, M., & Jensen, B. (2024). *The future of hybrid warfare*. National Defense University. Retrieved from <https://www.ndu.edu>
- Jones, D. (2018). *The Dynamics of Asymmetric Conflict*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kalhor, R. (2002). Information in asymmetric warfare: A lesson from September 11. *Defensive Policy Journal*, 38–39, 31–52. (In Persian)
- Kilcullen, D. (2006). Countering global insurgency. *Journal of Strategic Studies*, 28(4), 597–617.
- Mack, A. (2002). Why Big Nations Lose Small Wars: The Politics of Asymmetric Conflict. *World Politics*, 27(2), 175–200.
- Mohammadi Sani, M. (2021). A conceptual framework for asymmetric media arrangement of IRIB [Master's thesis]. IRIB University. (In Persian)
- Mortazavian Farsani, S. A., & Aghabalazadeh, A. A. (2018). Agent-oriented military doctrine: A new approach in asymmetric warfare. *Strategic Defense Studies*, 16, 45–68. (In Persian)
- Paterson, B. L., Thorne, S. E., Canam, C., & Jillings, C. (2001). *Meta-study of qualitative health research: A practical guide to meta-analysis and meta-synthesis*. Sage Publications.
- Razmkhah, M. R. (2005). Asymmetric warfare. *Quarterly Journal of Military Science and Technology*, 2, 6–16. (In Persian)
- Sa'ed, N. (2006). Assessing the doctrine of asymmetric warfare from the perspective of international humanitarian law. *Public Law Research*, 8, 101–124. (In Persian)

- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2007). Handbook for synthesizing qualitative research. Springer Publishing Company.
- SIPRI (2023). Military expenditure by country, in constant (2021) US\$ m., 1988-2022. Stockholm International Peace Research Institute.
- Smith, R. (2020). Conventional Warfare: Theory and Practice. London: Oxford University Press.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory (2nd ed.). Sage Publications.
- Taylor, M. (1977). Guerilla Warfare: A Historical and Theoretical Overview. Boston: Harvard University Press.
- Walsh, D., & Downe, S. (2005). Meta-synthesis method for qualitative research: A literature review. Journal of Advanced Nursing, 50(2), 204–211.

